



Explain the Role of Financial Credits in The Economy of Rural Areas of Masal County

Somayeh Ashouri Moridani ¹, Mohammadbaset Ghoreishi ^{2,*} and Isa Pourramzan ²

¹ Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

² Assistant Professor, Geography and Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

* Corresponding author, Email: mbasetgh@gmail.com

Receive Date: 13 November 2020

Accept Date: 07 February 2021

ABSTRACT

Introduction: The limited financial capital in the villages on the one hand and the non-compliance of the conditions of the rural exploitation units with the laws and regulations of the financial institutions have caused the lack of financial resources needed by the villagers. Meanwhile, low returns on "labor" and "capital" have reduced the incentive for financial institutions to invest in agriculture, industry and services. One of the solutions to solve the financial problem of the villagers in the framework of rural development policies and getting out of this situation is to provide financial credits.

Objectives: The purpose of this study is to explain the role of financial credits in the economy of rural areas of Masal city.

Methodology: using descriptive-analytical research method, the status of loans received by 331 rural sample households in 20 selected villages during the years 2006 to 2016 was examined.

Geographical Context: The statistical population includes villagers living in rural areas of Masal city. According to the results of the census in 2016, Masal has 94 villages with a population of 9380 households and 29019 people, which includes 1/55% of the total population of Masal city. After selecting 20 sample villages, the number of their rural households was extracted from the results of the census of the Statistics Center of Iran.

Result and Discussion: According to the results of the polls, most of the respondents with a frequency of 2/45 percent believe that financial credits have increased the income of the villagers by 11 to 20 percent. 48% believe that employment opportunities have increased due to the allocation of financial credits to rural light industries. 4/83% believe that the loans and financial credits received have had a positive effect on the empowerment of the villagers. 1/86% of the respondents believe that the loans and financial credits received have had a positive effect on improving the living conditions of the villagers. 1/38% believe that receiving financial credits has had a moderate effect on rural empowerment. 44% of the respondents believe that the financial credits allocated to the workshop industries have had a moderate effect on the migration situation of the villagers.

Conclusion: financial credit has to some extent led to the prosperity of service activities, the prosperity of workshop industries and increased the income of the villagers of Masal city. Accordingly, by providing financial resources and allocating funds to the villagers through public sector measures and supporting the private sector, as well as paying attention to rural cooperatives, more effective measures can be taken to boost service activities, boost workshop industries and increase income in Masal villagers. Witnessed its positive effects.

KEYWORDS: Natural hazards; Vulnerability; Combined Research Method; Minimum Squared Model; Ardabil city

تبیین نقش اعتبارات مالی در اقتصاد نواحی روستایی شهرستان ماسال

سمیه عاشوری مریدانی^۱، محمدباسط قریشی^{۲*} و عیسی پوررمضان^۲

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

* نویسنده مسئول، Email: mbasetgh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۳ آبان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۹ بهمن ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: محدود بودن سرمایه‌ی مالی در روستاها از یک طرف و عدم انطباق شرایط واحدهای بهره‌بردار روستایی با قوانین و مقررات نهادهای مالی سبب شده تا منابع مالی مورد نیاز روستاییان فراهم نشود. در این میان، پایین بودن بازدهی «کار» و «سرمایه»، انگیزه‌ی نهادهای مالی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات کمتر نموده است. یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی روستاییان در چارچوب سیاست‌های توسعه‌ی روستایی و برون‌رفت از این وضع، اعطای اعتبارات مالی است.

هدف: هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش اعتبارات مالی در اقتصاد نواحی روستایی شهرستان ماسال است.

روش‌شناسی: با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، وضعیت وام‌های دریافتی ۳۳۱ خانوار نمونه‌ی روستایی در ۲۰ روستای منتخب طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت.

قلمرو جغرافیایی: جامعه‌ی آماری شامل روستاییان ساکن در نقاط روستایی شهرستان ماسال است. ماسال بر اساس نتایج سرشماری‌ها در سال ۱۳۹۵، دارای ۹۴ آبادی دارای سکنه با ۹۳۸۰ خانوار و ۲۹۰۱۹ نفر جمعیت است که ۵۵/۱ درصد از کل جمعیت شهرستان ماسال را شامل می‌شود. پس از انتخاب ۲۰ روستای نمونه، تعداد خانوارهای روستایی آنها از نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران استخراج شد.

یافته‌ها: طبق نتایج نظرسنجی‌ها بیشتر پاسخگویان با فراوانی ۴۵/۲ درصد بر این عقیده‌اند که اعتبارات مالی بین ۱۱ تا ۲۰ درصد سبب افزایش درآمد روستاییان شده است. ۴۸ درصد بر این باورند که فرصت‌های اشتغال‌زایی به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع سبک روستایی افزایش پیدا کرده است. ۸۳/۴ درصد بر این عقیده‌اند که وام و اعتبارات مالی دریافت شده تأثیرات مطلوبی در توانمندسازی روستاییان داشته است. ۸۶/۱ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که وام و اعتبارات مالی دریافت شده تأثیرات مطلوبی در بهبود وضع زندگی روستاییان داشته است. ۳۸/۱ درصد بر این عقیده‌اند که دریافت اعتبارات مالی تأثیرات متوسطی در توانمندسازی روستاییان داشته است. ۴۴ درصد پاسخگویان بر این باورند که اعتبارات مالی تخصیص یافته به صنایع کارگاهی تأثیر متوسط بر وضع مهاجرتی روستاییان داشته است.

نتیجه‌گیری: اعتبارات مالی تا حدی موجب رونق فعالیت‌های خدماتی، رونق صنایع کارگاهی و موجب افزایش درآمد روستاییان شهرستان ماسال شده است. بر این اساس با تأمین منابع مالی و تخصیص اعتبارات به روستاییان از طریق اقدامات بخش دولتی و حمایت از بخش خصوصی و همچنین توجه به تعاونی‌های روستایی، می‌توان برای رونق فعالیت‌های خدماتی، رونق صنایع کارگاهی و افزایش درآمد روستاییان شهرستان ماسال اقدامات مؤثرتری انجام داد و شاهد آثار مثبت آن بود.

کلیدواژه‌ها: اعتبارات مالی؛ وام روستایی؛ تحولات اقتصادی؛ نواحی روستایی ماسال

مقدمه

کارکرد اقتصادی یکی از مهمترین کارکردهای جوامع روستایی است که نقش اساسی در مکان‌گزینی و پایداری سکونتگاه‌ها، تولید اقتصادی، معیشت، درآمدزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد. این کارکرد علی‌رغم نقش گسترده‌ی بخش کشاورزی صرفاً در این بخش خلاصه نشده و به نظر می‌رسد که حرکت این جوامع به سمت تنوع‌سازی زمینه‌های اشتغال و معیشت و درآمد، اجتناب‌ناپذیر باشد. در این رابطه هر ناحیه‌ی روستایی به تناسب شرایط جغرافیایی و قابلیت‌های درونی خویش قادر به پیمودن این راه و تحقق اهداف کمی و کیفی خویش است (مشیری و همکاران، ۱۳۸۸). تحولات اقتصادی - اجتماعی اثرات مهمی بر توسعه‌یافتگی نواحی روستایی برجای می‌گذارد. از یک‌سو می‌تواند باعث شکوفایی روستا شده و در کیفیت زندگی ساکنین محلی مؤثر واقع شود؛ و از سوی دیگر نیز به دلیل کم‌توجهی مدیران برنامه‌ریز و اجرایی به توان‌های روستا، این تحولات منشأ چالش‌ها و تعارضاتی در نواحی روستایی شوند که نتیجه‌ی آن ایجاد حس نارضایتی در بین ساکنین شود. دولت‌ها سعی کرده‌اند به راه‌های مختلف و با انگیزه‌های متفاوت با مسئله‌ی فقر روستایی در ارتباط باشند و در بیشتر مناطق در حال توسعه، سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعه‌ی بخش روستایی اتخاذ می‌کنند؛ ولی اکثر این سیاست‌ها به انگیزه‌های اقتصادی انحرافی منجر می‌شود و در واقع سیاست‌های روستایی آنها، دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی روستایی است (دارابی، ۱۳۸۴). برای مثال بازدهی پایین مشاغل بخش کشاورزی به دلیل دسترسی محدود به فناوری نوین، دسترسی محدود به سرمایه و نقدینگی به‌منظور تهیه‌ی نهاده‌ها و افزایش توان تولید و به‌کارگیری فناوری نوین در بخش کشاورزی، نبود صنایع فرآوری و بسته‌بندی محصولات، سرمایه‌گذاری ناچیز در صنایع سبک و همین‌طور صنایع دستی باعث شده تا روستاییان شاغل در بخش کشاورزی با طیف گسترده‌ای از مشکلات و نارسایی‌های اساسی مواجه شده و در تأمین هزینه‌های اولیه‌ی خود عمدتاً با تنگنا مواجه شده و عملاً نتوانند به تنهایی بر این مشکلات فائق آیند و این همان دور تسلسل فقر روستاست. برای برون‌رفت از این مشکل و یا برای کاهش اثرات و تبعات منفی آن چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد که توانمندسازی مالی روستاییان یکی از مهمترین راهکارهایی باشد که توسط اندیشمندان و پژوهشگران حوزه‌ی مسائل روستا ارائه شده است. تأمین مالی به‌عنوان راهبردی برای برون‌رفت از فقر در فضاهای روستایی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی به‌ویژه کشورهای جنوب و جنوب شرق قرار گرفت (فلاح‌تکار، ۱۳۹۶). محدود بودن سرمایه‌ی مالی در روستاها از یک طرف و عدم انطباق شرایط واحدهای بهره‌بردار روستایی با قوانین و مقررات نهادهای مالی شهری سبب شده تا منابع مالی مورد نیاز روستاییان فراهم نشود. البته در این بین، بایستی به پایین بودن بازدهی دو عامل کار و سرمایه اشاره کرد چرا که این وضعیت انگیزه‌ی نهادهای مالی را برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات کمتر نموده است. اما برای برون‌رفت از این وضعیت، در چارچوب سیاست‌های توسعه‌ی روستایی یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی روستاییان، اعطای اعتبارات خرد است. این سازوکار که می‌تواند نابسامانی عمده‌ی نظام اقتصاد روستایی را برطرف سازد، در دهه گذشته مورد استقبال فراوان واقع شده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این توفیق به حدی بوده که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نامید. اعتبارات خرد را می‌توان فعالیت‌های مالی و اعتباری کوچک، کوتاه‌مدت و آسان نامید که با اهدافی چون توانمندسازی (محرومان)، فقر ستیزی، عدالت محوری و فرصت‌آفرینی به فعالیت‌های سودآوری و پایدار اقدام می‌نماید (نوری نائینی، ۱۳۸۴). دولت‌ها سعی کرده‌اند به راه‌های مختلف و با انگیزه‌های متفاوت با مسئله‌ی فقر روستایی در ارتباط باشند و در بیشتر مناطق در حال توسعه سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعه‌ی بخش روستایی اتخاذ می‌کنند؛ ولی اکثر این سیاست‌ها به انگیزه‌های اقتصادی انحرافی منجر می‌شود و در واقع سیاست‌های روستایی آنها، دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی روستایی است (دارابی، ۱۳۸۴). در ایران طی دهه‌های گذشته، بخش عمده‌ای از مراحل توسعه‌ی روستایی در چهارچوب برنامه‌های توسعه‌ی کلان کشور صورت گرفت. براساس برنامه‌های توسعه و با توجه به ماهیت برنامه‌ریزی که به صورت بخشی صورت گیرد، سه دسته از هزینه‌هایی که دولت می‌تواند انجام دهد عبارتند از: هزینه‌های عمرانی، جاری و عمومی. در این میان هزینه‌های عمرانی در روند توسعه‌ی کشور به‌ویژه توسعه‌ی روستایی بسیار حائز اهمیت‌اند.

در نهایت می‌توان گفت: این اعتبارات، نقطه‌ی امیدی در جهت تحولات نقاط روستایی محسوب می‌شود. در زمینه اعتبارات دولت می‌توان به اعتبارات در بخش کشاورزی و مسکن اشاره نمود که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و به ایجاد تغییرات مطلوب در روستاهای شمال کشور از جمله روستاهای استان گیلان شده است.

قابلیت‌های متنوع شهرستان ماسال در استان گیلان که در پژوهش حاضر به‌عنوان محدوده‌ی مورد مطالعه انتخاب شده است، موجب شده تا مدیران در صدد جذب اعتبارات مالی از دولت برای بخش‌های مختلف اقتصادی، کالبدی و اجتماعی روستاها باشند تا از این طریق بتوانند از فقر روستاها کاسته و همانند گذشته آنها را به مکان‌هایی مولد و درآمدزا تبدیل کنند. قابل ذکر است که سازمان‌هایی از قبیل جهاد کشاورزی در زمینه‌ی کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) و مراکز بانکی در زمینه‌های کارآفرینی نظیر گردشگری و صنایع دستی، اعتباراتی را به روستاییان پرداخت کرده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌شود که اعتبارات عمرانی چگونه توانسته موجبات تحولات نقاط روستایی شهرستان ماسال را فراهم کند؟

اعتبارات خرد یا تأمین مالی خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبالغ کم و بدون دریافت وثیقه به قشر کم درآمد است که در مدت کوتاهی مبلغ‌های یاد شده را بازپرداخت می‌کند (منصوری و نجفی، ۱۳۹۲). تعاریف اعتبارات خرد بر اساس مؤلفه‌های زیادی صورت می‌گیرد. بر مبنای میزان دریافت وام "اعتبارات خرد" به اعتباری گفته می‌شود، از نظر مبلغ اندک باشد، در برخی به وام‌های کوچک چند دلاری و در مواردی به وام‌های چند هزار دلاری اعتبارات خرد گفته می‌شود؛ از نظر نحوه‌ی استفاده از اعتبار نیز "اعتباراتی" است که برای کاهش فقر یا راه اندازی کسب و کار کوچک و عموماً خوداشتغالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر شرایط پرداخت، اعتباری است که قابلیت دستیابی به آن به سادگی امکان‌پذیر است، شرایط آن قابلیت انعطاف داشته و قرارداد آن به سادگی و متناسب با شرایط محلی قابل تنظیم باشد (بختیاری، ۱۳۸۹).

بانک جهانی اعتبارات خرد را فرایندی می‌داند که طی آن خانوارهای فقیر اعتبارات را در یک دوره زمانی مشخص و با بازپرداخت در طولانی مدت و با استفاده از وثیقه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۰۶). اعتبارات خرد با هدف ارائه خدمات مالی به گروه‌های کم درآمد در کشورهای در حال توسعه در سه دهه‌ی اخیر مطرح شده است. این اعتبارات با اعطای وام به روستاییان به‌ویژه آنهایی که در امور تولیدی فعالیت دارند این امکان را می‌دهد که به سبب فراهم بودن نقدینگی بتوانند نیازهای مالی‌شان را برای انجام عملیات تولیدی و تهیه نهاده‌های کشاورزی تأمین نمایند (جوانشیر و همکاران، ۱۳۹۶).

برنامه‌های اعتبارات خرد علاوه بر عرضه‌ی تسهیلات مالی، ممکن است تسهیلات اجتماعی مانند تشکیل گروه، افزایش اعتماد به نفس، افزایش ظرفیت‌های مدیریتی در میان اعضاء و... ارائه کند (Arifujjaman Khan & Rahaman, 2007). لذا اعتبارات مالی، وضع فقرا (دهک‌های پایین جامعه)، کشاورزان کوچک و زنان را بهبود بخشیده و دسترسی آنها به وام کم بهره و مستقیم را افزایش داده و ضمن اشتغال‌زایی و افزایش درآمد، در توانمندسازی و بهبود استاندارد زندگی آنها موفق بوده و دست رباخواران را از زندگی آنها کوتاه خواهد کرد (ساعی و ضیایی، ۱۳۹۵). این تسهیلات عمدتاً برای کسانی است که از لحاظ اقتصادی فعال بوده ولی دارای محدودیت‌های مالی و آسیب‌پذیری بالایی‌اند (Mittal, 2014). ویژگی عمده‌ی اعتبارات مالی، تأمین شدن سریع و آسان، بی‌نیازی به وثیقه سنگین و سهم آورده، بی‌توجهی به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری است. دسترسی به اعتبارات خرد در توسعه کشاورزی در مناطق روستایی، شرط ضروری است نه کافی؛ لذا سایر شرایط مانند تهیه زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، اطلاعات، عوامل اجتماعی و فرهنگی در این امر دخیلند (Roht, 2002).

ویژگی‌های اعتبارات مالی در مقایسه با دیگر اعتبارات عبارت است از: (۱) سهل‌الوصول بودن دریافت آن؛ (۲) تناسب با نیاز گیرندگان؛ (۳) محور قرار داشتن گروه‌های کم درآمد به‌ویژه فقرای روستایی؛ (۴) اعمال نرخ بهره‌هایی که هزینه مؤسسه تأمین مالی خود را پوشش دهد؛ (۵) پایین بودن نرخ بهره در مقایسه با نرخ بازار غیررسمی روستایی؛ (۶) اتکاء هرچه بیشتر به منابع مردمی تا اتکاء به منابع دولتی و یارانه‌ای. از طرفی اهداف عمده‌ای که در بخش کشاورزی برای

اعتبارات مالی عنوان می‌شود عبارتند از: ۱) کمک به سرمایه‌ی کشاورز جهت نیازهای فردی از قبیل خرید کود شیمیایی، تهیه‌ی سموم برای دفع آفات نباتی، تعمیر ابزارآلات، خرید نهاده‌ها؛ ۲) کمک به کشاورز در جهت عدم نیاز برای مراجعه به بخش غیررسمی مالی و کمک به آنان در وام گرفتن از منابع اعتباری رسمی به دلیل نداشتن وثیقه‌های لازم؛ ۳) دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع شهری و روستایی؛ ۴) کمک‌های کوتاه‌مدت به کشاورز برای جوابگویی به مشکلات نقدینگی که به خاطر فصلی بودن تولید و درآمد معمولاً با آن مواجه است (بختیاری، ۱۳۸۹). برخی دیگر از پژوهشگران، اهداف اعتبارات خرد را این‌گونه در نظر گرفته‌اند:

در اهداف عام اعتبارات مالی: برطرف کردن نیازهای کوتاه مدت و تأمین سرمایه به‌منظور ایجاد شغل مدنظر است. در حالی که در اهداف خاص این اعتبارات در بخش کشاورزی: ۱) کمک به سرمایه‌ی کشاورز برای تهیه نهاده‌ها؛ ۲) کمک به کشاورز برای عدم نیاز به مراجعه به بخش غیررسمی مالی؛ و ۳) دنبال کردن اهداف عدالت اجتماعی و کمک به توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمد بین جوامع روستایی و جوامع شهری مورد توجه است (عزیزپور و خداکرمی، ۱۳۹۴). در کشورهای در حال توسعه نیز اعتبارات نقشی تعیین‌کننده در توسعه‌ی کسب و کارهای کشاورزی و دامپروری داشته است (Escobal, 2001). لذا هدف صندوق‌های اعتبارات مالی به دنبال دستیابی به طرح‌های توسعه‌ای در جهت کاهش فقر، بسیج منابع مالی جامعه محلی و سازماندهی جامعه محلی در گروه‌هایی همگراست (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵).

تحولات روستایی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن

سکونتگاه‌های روستایی ایران در طول تاریخ حیات خود، تحولات گوناگون فضایی را پشت سر می‌گذارند. این تحولات می‌تواند در ابعاد کالبدی - فضایی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - معیشتی و محیطی - اکولوژیک بررسی شوند (صیدالی و همکاران، ۱۳۹۳). اما ساماندهی بسیاری از این تحولات از طریق بخش دولتی انجام می‌گیرد. به طوری که دولت با اتخاذ تدابیر زیر قادر است به امر برنامه‌ریزی اقدام کند و یا بدین منظور، تمهیداتی دیگر بیندیشد. برنامه‌ریزی در امر اقتصاد زمانی به سهولت میسر است که بخش عمده‌ی سرمایه‌گذاری‌ها به وسیله دولت صورت پذیرد:

۱) مداخله‌ی دولت از طریق استقرار زیربناها: این مداخله گاه مستقیماً از سوی دولت، گاه از سوی اجتماعات محلی و گاه از سوی شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد؛ ۲) مداخله‌ی دولت در بهای تولید شده کالا از طریق برقراری رژیم مالیات‌ها: مالیات‌ها و عوارض گوناگون در بهای تمام شده کالا انعکاس می‌یابد. مثلاً مالیات‌هایی که از شرکت‌های خصوصی دریافت می‌شود موجب می‌گردد تا این شرکت‌ها بر بهای کالای خود بیفزایند؛ ۳) مداخله‌ی دولت در سطح زندگی بخش خصوصی: برقراری یک نظام مالیاتی تصاعدی در نهایت امر قادر است در امر همسان‌سازی میزان دارایی‌ها مؤثر افتد. از این رو مالیات می‌تواند به‌عنوان ابزاری به‌منظور ایجاد دگرگونی در ساخت‌ها و در مناسبات اجتماعی به کار آید. دولت همچنین با سازمان بخشیدن به تقسیم برابر امکانات، مانند برقرار ساختن مقررات «تأمین اجتماعی» و «مدد معاش خانوادگی» در تعدیل سطح زندگی عمومی تأثیر می‌گذارد.

در اقتصادی که بخش سرمایه‌داری هنوز در آن از اعتبار و استحکامی در خور توجه برخوردار است، دولت به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن این بخش، نه تنها از طریق نظارت بر اعتبارات و نرخ‌گذاری ترجیحی، بلکه با کاربست تدابیری قاطع‌تر، ناگزیر به اقدام می‌شود. در ایران دولت به‌منظور دستیابی به توسعه‌ی روستایی از ابزارهای مختلف استفاده کرده و اقدامات متعددی را به مرحله اجرا در آورده است. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی از مهمترین ابزارهای دولت در این زمینه است (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹). در واقع این تحولات مسائل اقتصادی روستا و بهبود معیشت ساکنان محلی را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان انواع تحولات روستایی را به شرح زیر ارائه نمود:

• تحولات اقتصادی

در دهه‌های اخیر، کاهش فقر و افزایش سطح رفاه خانوارها به یکی از مباحث مهم توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است؛ به طوری که کاهش فقر و بهبود سطح رفاه افراد در جامعه، شرط لازم برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود (مولایی و رحیمی راد، ۱۳۹۵). به طور کلی برخی از مهمترین تحولات اقتصادی در نواحی روستایی را که با تخصیص اعتبارات

- مالی به روستاییان در غالب سرمایه‌گذاری‌هایی با اعتبارات خرد انجام می‌شود را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:
- ✓ افزایش توان بازدهی اراضی کشاورزی به دلیل استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جدید؛
 - ✓ افزایش تولید محصولات کشاورزی با تکیه بر پایداری‌های شاخص‌های زیست‌محیطی؛
 - ✓ جلوگیری از هدررفت منابع آب و خاک روستا در درازمدت؛
 - ✓ استفاده‌ی بهینه از نهاده‌های تولید و جلوگیری از هدررفت آنها؛
 - ✓ افزایش میل و اشتیاق روستاییان کم‌بضاعت به تولید محصولات زراعی، باغی و دامی؛
 - ✓ ایجاد کانون‌هایی که جنبه‌ی مرکزیت تولید یک محصول خاص را به دلیل شرایط آب و هوایی منحصر به فرد به دنبال دارد؛
 - ✓ افزایش فرصت‌های شغلی در روستا به دلیل تنوع‌بخشی به مشاغل غیرکشاورزی که در زمره‌ی صنایع پشتیبان بخش کشاورزی محسوب می‌شوند؛
 - ✓ توجه به صنایع تبدیلی محصولات زراعی، باغی و دامی در داخل روستا و تولید محصولات ثانویه؛
 - ✓ توجه به صنایع بسته‌بندی محصولات برای عرضه به بازارهای منطقه‌ای و ملی و حتی فراملی؛
 - ✓ ایجاد مشاغل پایدار و غیرفصلی که مانع از مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردد؛
 - ✓ رسیدگی به کارآفرینان روستایی که می‌توانند بخشی از تحولات اقتصادی روستایشان را تحقق بخشند؛
 - ✓ ایجاد فعالیت‌های مکمل و پایدار در فصل‌های غیرزراعی با هدف افزایش درآمد و بهبود معیشت ساکنان روستایی.

• تحولات کالبدی - فضایی

تحولات کالبدی جامعه‌ی روستایی کشور را می‌توان از دو منظر مورد مطالعه قرار داد. بخشی از تحولات تحت تأثیر برنامه‌های دولت (به‌ویژه تهیه و اجرای طرح‌های کالبدی) قرار گرفته و بخشی دیگر نیز به صورت ارگانیک و در طی زمان رخ داده است. به همین منوال، در کارکرد سکونتگاه‌های روستایی نیز تغییرات گسترده‌ای به وجود آمده است. تحول در نظام کشاورزی، روابط بین سکونتگاهی، مناسبات شهر و روستا و تغییر در شکل و الگوی مسکن از جمله این تغییرات است (آمار، ۱۳۹۲). رکن اساسی برنامه‌ریزی کالبدی، کاربری زمین است. مؤلفه‌های بنیادین کاربری زمین مانند استفاده پایدار از منابع آب، زمین، توزیع امکانات، افزایش قابلیت دسترسی به نواحی مسکونی، نواحی کشاورزی و تسهیلات اجتماعی - اقتصادی در درون شبکه‌ی سکونتگاهی مورد توجه جدی برنامه‌ریزی است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۶). بنابراین اجزای چهارگانه برنامه‌ریزی کالبدی یعنی فرم، فضا، فعالیت و انسان در فرایند این نوع برنامه‌ریزی همواره مورد تأکید است. اما در میان این برنامه‌ریزی‌ها، نقش اعتبارات مالی چه تأثیری بر تحولات کالبدی - فضایی نواحی روستایی دارد؟ در واقع اعتبارات مالی با تضمین اجرای طرح‌های کالبدی نظیر طرح هادی روستا می‌تواند ضمانت اجرایی آن را تأمین کند و کیفیت محیط را بهبود بخشد. برای مثال عنابستانی و اکبری (۱۳۹۱) در پژوهش خود بیان می‌کنند: تخصیص اعتبار کافی و برنامه مدون مالی برای اجرای کامل طرح‌ها در نواحی روستایی، سبب اشتغال‌زایی و جذب سرمایه‌گذاری‌های لازم در نواحی روستایی خواهد شد. در حالی که عدم تخصیص اعتبار لازم، موجب نیمه‌کاره ماندن برخی از پروژه‌ها، تخریب آنها و دوباره‌کاری می‌شود (عنابستانی و اکبری، ۱۳۹۱).

• تحولات اجتماعی

توزیع ناعادلانه درآمد در بین افراد در جامعه می‌تواند موجبات گسست اجتماعی را بوجود آورد. بر این اساس افراد برای دسترسی به معیشت بهتر و فرار از چنگال فقر که آنها را در بین طبقات اجتماعی منزوی می‌کند، مهاجرت می‌کنند تا به درآمدهای بالاتر دست یابند. تحقق چنین وضعی در روستا موجبات فروپاشی آن را رقم خواهد زد. تا جایی که امروز

دیده می‌شود در بسیاری از روستاهای ایران، خانوارهای روستایی برای دستیابی به جایگاه بالاتر اجتماعی ناچار به خروج از روستا هستند. عدم تحول‌یافتگی روستا در ابعاد اقتصادی و کالبدی زمینه‌ساز این بازخورد منفی است. بر این اساس افزایش جمعیت نواحی روستایی، کاهش مهاجرت‌های روستاشهری، افزایش حس تعلق به روستا و سکونت در آن یکی از مهمترین تحولات اجتماعی در روستا به شمار می‌آید که برای تحقق آن می‌بایست تحولات اقتصادی و کالبدی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی روستایی در اولویت قرار داد. در غیر این صورت نمی‌توان به پایداری جمعیت در روستا امیدوار بود. اما به طور خلاصه برخی از مهمترین تحولات اجتماعی نواحی روستایی که در واقع از تخصیص اعتبارات مالی حاصل می‌شود به شرح زیر است:

- ✓ افزایش و یا پایداری جمعیت در روستا؛
- ✓ ایجاد توازن سنی - جنسی جمعیت در روستا از طریق کاهش مهاجرت‌ها؛
- ✓ بهبود حس تعلق به مکان و زندگی مشتاقانه افراد در روستا با توسعه‌ی زیرساخت‌ها و امکانات روستا؛
- ✓ کاهش مهاجرت‌های روستاشهری که از طریق بهبود معیشت و درآمد روستاییان؛
- ✓ پاسداشت آداب و رسوم کهن روستا؛
- ✓ تقویت روحیه‌ی مشارکت، تعاون و همکاری بین روستاییان برای تشکیل نهادهای تعاونی روستایی با هدف
- تجمیع سرمایه‌های خرد و اندک؛
- ✓ جلوگیری از رشد فرهنگ مصرف‌گرایی.

جایگاه اعتبارات مالی در نظریه‌های اقتصادی

اعتبارات مالی از مباحث عمده در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به مثابه‌ی محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانه‌ی ثروت و درآمد، کلید حل معما به‌شمار می‌رود (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). از زمان گسترش عرضه‌ی اعتبارات به مناطق روستایی تاکنون، دیدگاه‌هایی متفاوتی در این زمینه وجود داشته و وجه اشتراک تمامی آنها این است که عرضه‌ی اعتبار در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقشی مهم دارد. این دیدگاه‌ها عبارتند از:

(۱) **دیدگاه بازارگرا:** بازارگرایان معتقدند که بازار مالی شباهت‌های زیادی به بازار رقابت کامل دارد؛ روستاییان کم درآمد و واحدهای کوچک مقیاس می‌توانند با مراجعه به این بازار، نیازهای خود را برطرف کنند. اما اشکال کار اینجاست که دولت با مداخله در این بازار تعادل را از میان می‌برد و روستاییان به همین دلیل نمی‌توانند تمام نیازهای خود را تأمین کنند. بهترین اقدامی که دولت می‌تواند انجام دهد، کاهش مداخله و نظارت و هدایت بازار و رفع موانع و محدودیت‌هایی است که بازار با آنها مواجه است. طرفداران مکتب «اوهاییو» از مهم‌ترین گروه‌هایی به شمار می‌روند که سازوکار بازار و کاهش مداخله‌ی دولت را تنها راه مؤثر برای افزایش دسترسی روستاییان فقیر به خدمات مالی می‌دانند. اما منتقدان دیدگاه بازارگرا معتقدند که سازوکار بازار به تنهایی پاسخگوی تمام مشکلات نیست و بنا بر توزیع ناعادلانه‌ی منابع و امکانات لازم است که در بازار مالی روستایی مداخله شود (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۴).

(۲) **دیدگاه دولت‌گرا:** در روش مداخله‌ی متمرکز، دولت نقش اصلی را بر عهده دارد و با وضع قوانین مختلف سعی می‌کند تا عرضه‌ی اعتبارات به مناطق روستایی افزایش یابد. در این روش مهم‌ترین ابزارهایی که برای مداخله در بازارهای مالی روستایی استفاده می‌شود، پرداخت یارانه به نهادهای مالی برای کاهش نرخ بهره و نظارت و تضمین وام‌هاست. یکی از مشکلات روستاییان کم درآمد نداشتن وثیقه و ضامن است و به همین خاطر بانک‌های تجاری برای پرداخت وام به آنها رغبتی ندارند. برای حل این مشکل، دولت ضمانت وام‌هایی را به عهده می‌گیرد که به گروه‌های کم درآمد پرداخت می‌شوند. این ابزار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نظیر مکزیک، کاستاریکا و نیجریه کارآیی دارد (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۲).

۳ دیدگاه جامعه‌گرا: تشویق مشارکت مردمی، جذب پس‌انداز روستاییان و ساختار تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از مهم‌ترین ویژگی‌های روش جامعه‌گراست. در این روش از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود. از این‌رو، به جای مراجعه‌ی وام‌گیرنده به نهاد مالی که در روش‌های سنتی متداول است - وام‌دهندگان با ایجاد و تقویت سازمان‌ها و نهادهای مالی به روستا می‌روند و وام را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند؛ بازپرداخت وام‌ها به شکل قسط‌های کوچک صورت می‌گیرد تا مشکلی برای روستاییان ایجاد نشود (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۸).

در بسیاری از نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی به اهمیت اعتبارات مالی اشاره شده که خلاصه برخی از این دستاوردهای علمی بدین شرح است:

توشیو کوندو و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، در بررسی تأثیر اعتبارات خرد در خانوارهای روستایی کشور فیلیپین به این نتیجه رسیدند که اعتبارات خرد، برخلاف اثر مثبت و قابل توجه در درآمد و هزینه، اثر کاهنده‌ای در خانواده‌های فقیر به دلیل ناکافی بودن هزینه و در دسترس بودن وام برای انتخاب فعالیت‌های سازنده‌تر برای بازپرداخت وام و کسب درآمد داشته است؛ سنگوپتا و اوبوچون^۲ (۲۰۰۸)، در ارزیابی انقلاب اعتبارات خرد دریافتند که از این اعتبارات نباید انتظار زیادی داشت و آن را حلال همه مشکلات کشورهای در حال توسعه دانست. علاوه بر این اعتبارات خرد و وام‌دهی گروهی با ضمانت مشترک، مثلاً در آمریکا موفق نبوده است؛ زیرا تشکیل گروه‌های ذینفع در جوامع صنعتی و شهری، مشکل و دامنه اطلاعات آنها از همدیگر محدود است در حالی که در جوامع روستایی کشورهای در حال توسعه اینگونه نیست؛ عبدالله و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، اثر اعتبارات مالی خرد را بر رشد فعالیت‌های بخش دام برای ۵۰ دامدار تولیدکننده‌ی شیر در ۱۰ روستای پاکستان در سال ۲۰۰۷ مثبت ارزیابی کرد و دریافت که عرضه‌ی اعتبارات سبب ارتقای درآمد و رشد بخش دام می‌گردد؛ آنتونی^۴ (۲۰۱۰)، در مطالعات میدانی خود در زمینه‌ی تأثیر اعتبارات کشاورزی بر رشد اقتصادی نواحی روستایی کشور نیجریه دریافت که اعتبارات کشاورزی یک ابزار مؤثر برای توسعه‌ی محصولات کشاورزی، صادرات غیرنفتی و ثبات تولید ناخالص داخلی در اقتصاد نیجریه است؛ و تریول و کومار مانگالام^۵ (۲۰۱۰)، در تحلیل نقش مؤسسه‌های اعتبارات خرد در توسعه‌ی روستایی کشور هند به این نتیجه رسیدند که اعتبارات ارائه شده از سوی شرکت مالی توسعه‌ی مسکن در کشور هند موجب بهبود نیاز به مسکن خوب و همچنین زندگی در محیط بهتر برای گروه‌های کم‌برخوردار در نواحی روستایی و شهری از طریق جلب همکاری بانک‌های محلی شده است؛ سرینواسا و پریادارشین^۶ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با موضوع اعتبارات کوچک روستایی، بر ناتوانی مؤسسات اعتباری رسمی در دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار روستایی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که اتخاذ رویکرد تعاونی‌های اعتبار روستایی به‌عنوان یک رویکرد تکمیلی جهت دستیابی به اهداف توسعه به‌عنوان یک ضرورت برای دستیابی به توسعه‌ی روستایی مطرح می‌شود؛ شارما و توارت^۷ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با موضوع خدمات مالی پایدار برای یک اقتصاد روستایی در حال توسعه، با تأکید بر خدمات مالی پایدار در روستاها با استفاده از سازه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در ارائه خدمات مالی روستایی در کشورهای در حال توسعه پرداختند و اعتبارات خرد را ضرورتی برای دستیابی به رشد پایدار به شمار آوردند؛ خان و همکاران^۸ (۲۰۱۱)، تأثیر اعتبارات بخش کشاورزی در تحولات مناطق روستایی کشور پاکستان را بسیار مهم دانسته و دریافت که اعتبارات کشاورزی نه تنها کشاورزی را توسعه می‌دهد بلکه بر هر بخشی از اقتصاد تأثیر مثبت دارد و توجه به اعتبارات در نواحی روستایی نه تنها مشکلات بحران غذا را حل می‌کند بلکه

^۱ Toshio Kondo et al.

^۲ Sengupta & Aubuchon

^۳ Abedullah et al.

^۴ Anthony

^۵ Vetrivel & Kumar mangalam

^۶ Srinivasa and Priyadarshini

^۷ Sharma and Tewart

^۸ Khan et al.

رشد اقتصادی، اشتغال و صنایع و غیره را افزایش می‌دهد؛ حسن‌زاده و ارشدی (۱۳۸۲)، با ارزیابی و مطالعه‌ی تجارب تأمین مالی روستایی در ایران و برخی کشورهای آسیایی به این نتیجه رسیدند که طی دو دهه‌ی گذشته درصد نفوذپذیری وام‌های پرداخت شده میان خانوارهای روستایی افزایش یافته است. ضمن آن که متوسط بازدهی اعتبارات خرد کمتر از متوسط بازده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده؛ ولی اثرگذاری اعتبارات خرد در مقایسه با کل اعتبارات پرداختی بر تشکیل سرمایه‌ی ناخالص بیشتر است؛ بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳)، در ارزیابی نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی که به طور موردی بر روی بانک کشاورزی ایران انجام شد، با بهره‌گیری از مدل‌های اقتصادسنجی دریافتند که اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت داشته است. بنابراین، حداقل در کوتاه‌مدت می‌توان با به‌کارگیری نظام اعتباری مناسب باعث توسعه‌ی فرصت‌های شغلی در این بخش شد؛ نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴)، پس از بررسی تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی شهرستان‌های استان فارس دریافتند با کمبود توان مالی بخش رسمی (بانک کشاورزی) در تأمین اعتبارات و تأمین مالی کشاورزان، نقش نهادهای مکمل برای تأمین اعتبار در سطح روستا اهمیت می‌یابد. لذا با جایگزینی مؤسسات مالی خرد با بخش غیررسمی، هزینه‌ی کشاورزان در دریافت وام از این بخش جدید متفاوت می‌شود. آنها دریافتند که هزینه‌های جنبی دریافت اعتبار از بخش رسمی بالاتر از بخش غیررسمی است؛ افتخاری، عینالی و سجاسی قیداری (۱۳۸۵)، اعتبارات خرد بانکی در تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده را به‌عنوان یکی از راه‌های رفع مشکل مالی کشاورزان دانسته و ۵ درصد در توسعه‌ی فعالیت‌های کشاورزی این نواحی تأثیر داشته است؛ طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶)، در بررسی پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در روستاهای بومیین زهرا دریافتند که این تسهیلات بیشتر جنبه‌ی حمایتی و تقویت‌کننده به خود گرفته و لزوماً منجر به فعالیت مولد نمی‌شود؛ از آنجا که میزان مبلغ تسهیلات بر نوع مصرف آن تأثیر دارد، به نظر می‌رسد با این مبالغ کوچک نمی‌توان به افراد فاقد هرگونه امکانات اقتصادی برای ایجاد فعالیت تولیدی کمک کرد و ناگزیر این تسهیلات به مجراهای مصرفی کشیده می‌شود و صرفاً پرداخت اعتبار باعث توانمندسازی نمی‌شود بلکه نقطه‌ی آغازین توانمندسازی، آموزش و ایجاد انگیزه‌ی تولید است؛ شاطریان و گنجی‌پور (۱۳۸۹)، در بررسی تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاهای ایران دریافتند که یکی از مهمترین ابزارهای دولت برای دستیابی به توسعه‌ی روستایی، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی است. آنها با مطالعه روی روستاهای بخش ابوزیدآباد واقع در شهرستان کاشان به این نتیجه رسیدند که بین میزان سرمایه‌گذاری عمرانی و توانمندسازی روستاها همبستگی وجود ندارد و بعد از گذشت ۳۰ سال از برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب، جامعه‌ی روستایی همانند تابعی از تحولات پنداشته می‌شود که در سطوح بالاتر رخ می‌دهند. بنابراین هنوز روستاییان نقش تعیین‌کننده‌ای برای خود قایل نیستند و همین امر باعث می‌گردد تا نوسان در سرمایه‌گذاری‌ها، مسائل اجتماعی به‌ویژه توانمندسازی روستاها را چندان متأثر نسازد؛ بریمانی و همکاران (۱۳۹۱)، در بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی دهستان لکستان شهرستان سلماس به این نتیجه رسیدند که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. برای مثال گروهی از زنان که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکردند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی و اعتماد به نفس نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند؛ آهنی و همکاران (۱۳۹۳)، با ارزیابی تحلیل اقتصادی رابطه‌ی بین اعتبارات کشاورزی و فقر روستایی در ایران دریافتند که اعتبارات مالی به‌عنوان یکی از راه‌های انباشت سرمایه و در نتیجه کاهش فقر روستایی حائز اهمیت است. به طوری که اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی دارای اثر مثبت بر رشد درآمد و کاهش فقر در این بخش بوده که این اثر مثبت با افزایش حجم اعتبارات حداقل تا دو برابر مقدار فعلی، روند افزایشی چشمگیری خواهد داشت؛ عزیزپور و خداکرمی (۱۳۹۴)، در بررسی اثرات اجتماعی - اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی دهستان کرسف دریافتند که این اعتبارات تأثیر یکسان و یکپارچه بر شاخص‌های ابعاد توسعه به‌ویژه ابعاد اجتماعی - اقتصادی ندارد و سازوکار اجرایی اعطای اعتبارات خرد کشاورزی متأثر از رویکرد سنتی از کارآمدی لازم برخوردار نیست. در این ساختار، مدیریت متمرکز

(از بالا به پایین) و روابط رسمی و قانونی سبب شده تا منابع مالی، ماهیتی محلی و متکی بر پس‌اندازهای خرد مردم نبوده و از پایداری برخوردار نباشد؛ اسماعیل‌زاده و حسینی (۱۳۹۵)، با مطالعه اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی در استان تهران دریافتند که سازه‌های توسعه اقتصادی، توسعه زیست‌محیطی، توسعه اجتماعی فرهنگی و توسعه زیرساختی با داشتن ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۶۱ و ۰/۵۸ بار عاملی به ترتیب ۷۵ درصد، ۶۱ درصد و ۵۸ درصد از واریانس‌شان توسط اعتبارات کشاورزی تبیین می‌شود. همچنین اعتبارات کشاورزی بر توسعه کالبدی تأثیر معنی‌داری ندارد؛ جوانشیری و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی دهستان‌های کارده و میان ولایت شهرستان مشهد نشان داد که در دوره‌های زمانی قبل و بعد از استفاده از این اعتبارات در روستاها تفاوت تغییرات قابل توجهی در کلیه محورهای اقتصادی ایجاد شده و این تغییرات از دیدگاه استفاده‌کنندگان کاملاً معنی‌دار است؛ رابط و همکاران (۱۳۹۶)، در بررسی نقش آفرینی تسهیلات مالی مسکن در نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی شهرستان ابرجد دریافتند که تخصیص این تسهیلات به روستاییان در سال‌های اخیر توانسته دگرگونی‌هایی را در ویژگی کالبدی و فضایی مسکن بسیاری از روستاهای ابرجد ایجاد نماید. لذا در ایجاد تحولات کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های روستایی که از این تسهیلات مالی استفاده نموده‌اند، نقش مهمی داشته است.

روش‌شناسی

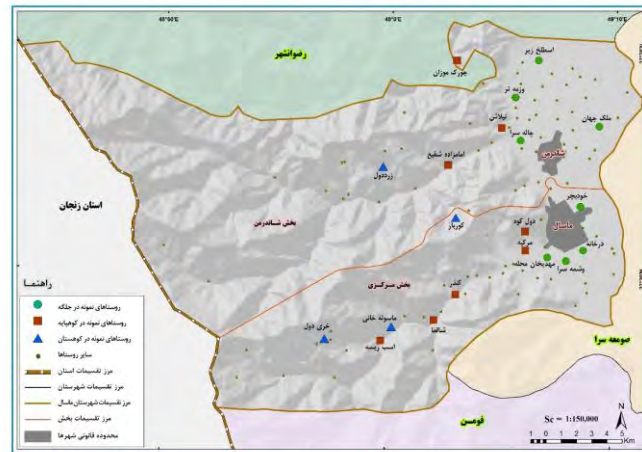
تحقیق حاضر از نظر هدف، جزو تحقیقات "کاربردی" و از نظر ماهیت و روش، "توصیفی - تحلیلی" است. داده‌های تحقیق از طریق روش‌های کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی بدست آمد. جامعه آماری شامل روستاییان ساکن در نقاط روستایی شهرستان ماسال است. ماسال بر اساس نتایج سرشماری‌ها در سال ۱۳۹۵، دارای ۹۴ آبادی دارای سکنه با ۹۳۸۰ خانوار و ۲۹۰۱۹ نفر جمعیت است که ۵۵/۱ درصد از کل جمعیت شهرستان ماسال را شامل می‌شود. پس از انتخاب ۲۰ روستای نمونه، تعداد خانوارهای روستایی آنها از نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران استخراج شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و به تعداد ۳۳۱ خانوار برای تکمیل پرسشنامه مشخص شد. از این تعداد، ۱۹۵ خانوار (۵۹ درصد) از وام و اعتبارات مالی استفاده کردند و مابقی خانوارها، متقاضی دریافت این اعتبارات بوده‌اند. با توجه به شرایط توپوگرافیکی این شهرستان که دارای سه وضعیت جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است، توزیع و پراکنش نقاط روستایی و جمعیت ساکن در آن و تعداد خدمات مستقر در این واحدهای توپوگرافیکی با یکدیگر متفاوت است؛ بر این اساس واحدهای توپوگرافیکی، مبنای انتخاب روستاهای نمونه قرار داده شد و از هر یک از این واحدها، روستاهایی به طور تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید. البته طبقه‌بندی بر اساس جمعیت روستاها بوده است. موقعیت روستاهای نمونه در شکل ۱ نشان داده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

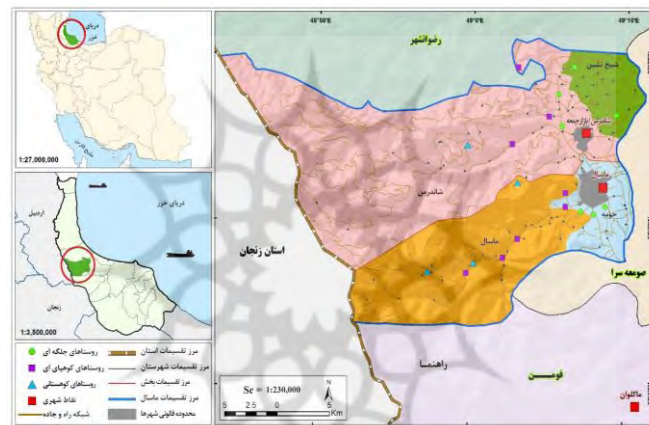
شهرستان ماسال در مختصات جغرافیایی ۴۸° ۴۸' تا ۴۹° ۱۱' طول شرقی و ۳۷° ۱۹' تا ۳۷° ۲۹' عرض شمالی واقع شده و مساحت آن ۶۱۷ کیلومتر مربع می‌باشد. لازم به ذکر است که متوسط وزنی رقوم ارتفاعی برای شهرستان ماسال برابر با ۹۷۶ متر است.

ماسال از شمال به شهرستان رضوانشهر، از جنوب و شرق به شهرستان‌های صومعه‌سرا و فومن و از غرب به استان اردبیل محدود شده است. مرکز این شهرستان با مرکز استان گیلان (رشت)، ۴۵ کیلومتر فاصله دارد. در حال حاضر بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵، ماسال دارای ۲ بخش به نام‌های مرکزی و شاندرمن، ۲ شهر به نام‌های ماسال و بازارجمعه (شاندرمن)، ۴ دهستان به نام‌های حومه، ماسال، شیخ‌نشین و شاندرمن و در نهایت دارای ۹۴ آبادی با سکنه و ۱۴ آبادی

خالی از سکنه است (شکل ۲).



شکل ۱. موقعیت روستاهای نمونه در شهرستان ماسال



شکل ۲. موقعیت شهرستان ماسال در تقسیمات کشوری همراه با موقعیت روستاهای نمونه

برگرفته از: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۶)

یافته‌ها و بحث

تأثیر اعتبارات مالی بر رونق فعالیت‌های خدماتی در روستاهای شهرستان ماسال

از کل نمونه‌های مورد مطالعه ۱۱۵ نفر و با فراوانی ۳۴/۷ درصد برای بخش خدمات اقدام به دریافت وام کردند. به طوری که راه اندازی انواع مشاغل زودبازده خانگی با فراوانی ۸۱/۷ درصد، بیشترین سهم اعتبارات دریافتی در بخش خدمات بوده است. بعد از آن خرید تجهیزات برای بسته‌بندی مواد غذایی با فراوانی ۱۸/۳ درصد در رتبه دوم اعتبارات بخش خدمات قرار گرفت.

پاسخگویان با فراوانی ۳۵/۷ درصد بر این عقیده‌اند که تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کمی فعالیت‌های خدماتی آنها در حد متوسط بوده است. البته در یک نگاه کلی ۷۷/۴ درصد از پاسخگویان تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کمی فعالیت‌های خدماتی‌شان را متوسط رو به زیاد دانسته‌اند.

عمده‌ی پاسخگویان با فراوانی ۴۴/۳ درصد بر این عقیده‌اند که تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کمی فعالیت‌های خدماتی آنها در حد متوسط بوده است. البته در یک نگاه کلی می‌توان دریافت که ۸۴/۳ درصد از پاسخگویان تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کمی فعالیت‌های خدماتی‌شان را متوسط رو به زیاد دانسته‌اند.

بیشتر پاسخگویان با فراوانی ۴۵/۲ درصد بر این عقیده‌اند که اعتبارات مالی چیزی در حدود ۱۱ تا ۲۰ درصد سبب افزایش درآمد روستاییان شده است.

جدول ۱

درصد فراوانی آراء پاسخگویان در مود تأثیر اعتبارات مالی بر رونق فعالیت‌های خدماتی

انحراف از معیار	میانگین	مقیاس (درصد)					گویه
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱/۳۶	۳/۲۶	۱۶/۵	۲۵/۲	۳۵/۷	۱۳/۰	۹/۶	تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کمی فعالیت‌های خدماتی
۱/۰۴	۳/۳۰	۱۲/۲	۲۷/۸	۴۴/۳	۸/۷	۷/۰	تأثیر اعتبارات مالی بر توسعه کیفی فعالیت‌های خدماتی
۱/۲۱	۲/۲۹	۶/۱	۸/۷	۱۶/۵	۴۵/۲	۲۳/۵	تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش درآمد روستاییان

بر اساس نتایج بدست آمده از این جدول می‌توان گفت: اعتبارات مالی باعث رونق فعالیت‌های خدماتی از ابعاد کمی و کیفی شده است و از این نظر اثرات مطلوبی را بر نواحی روستایی مورد مطالعه برجای گذاشته است. به طوری که مقیاس نظرسنجی‌ها در حد متوسط رو به بالا بوده است. اما این تحرکات آن گونه که انتظار می‌رفت باعث افزایش درآمد روستاییان نشده است. با جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان دریافت کرد که اعتبارات مالی موجب رونق فعالیت‌های خدماتی در روستاهای شهرستان ماسال شده است. لذا این فرضیه با استناد به یافته‌های تحقیق تأیید می‌شود.

تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستاها

فعالیت‌های اقتصادی در فضای روستا به گونه‌ای است که فعالیت‌های کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند موجبات رونق اقتصادی را برای ساکنین بوجود آورد و نیازمند اهرم‌هایی است که بتواند محدودیت‌های بخش کشاورزی را حل کند و شاید بهترین راهکار، اهمیت قائل شدن برای صنایع کارگاهی است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی این صنایع نه تنها باعث خودکفایی روستا در انجام فعالیت‌هایش می‌شود بلکه باعث افزایش فرصت‌های شغلی خواهد شد به طوری که صنایع کارگاهی روستایی با ایفای نقش مکمل‌گونه‌ی خود در کنار بخش کشاورزی می‌تواند به پایداری اقتصادی منتهی گردد. در ادامه باید گفت: پایداری اقتصادی به پایداری جمعیتی نیز منجر می‌گردد زیرا با بهتر شدن وضع معیشتی روستاییان، مهاجرت آنان به دیگر نقاط کمتر می‌شود.

بر اساس نتایج نظرسنجی‌ها ۴۲ درصد از پاسخگویان اذعان داشتند که در طی سال‌های اخیر سعی داشتند علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی به صنایع روستایی هم توجه کرده و فعالیت‌هایی هرچند کوچک را در این زمینه شروع کنند. برخی از آنها با سرمایه‌گذاری‌های محدود شخصی و بدون وام توانستند دستگاه‌هایی را برای فرآوری محصولات و بسته‌بندی آن تهیه کنند که نمونه‌ی آن در بازدیدهای میدانی در روستاهای چاله سرا، اسطلخ زیر، وشمه سرا، امامزاده شفیق، نیلاش و مرکیه دیده شد. حدود ۱۱ درصد روستاییان توانستند از محل اعتبارات روستایی در زمینه‌ی راه‌اندازی صنایع کارگاهی اقداماتی را انجام دهند. ۴۱ درصد از پاسخگویان، وضعیت سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی صنایع کارگاهی روستایی را متوسط ارزیابی کردند و اذعان داشتند که بخش دولتی باید حمایت بیشتری از آنان بعمل آورد.

طی مصاحبه‌هایی که محقق با برخی از جوانان روستایی داشته است، همگی اذعان داشتند که با حمایت دولت و بخش خصوصی از صنایع کارگاهی در روستا، امکان شکوفایی بیشتر روستا در زمینه‌ی اشتغال جوانان وجود دارد.

تعداد دیگری از جوانان تحصیلکرده‌ی روستایی که ساکن روستاهای وشمه سرا، خودیچر، مهدبخان محله، نیلاش و مرکیه بودند و برای بدست آوردن شغل به شهرهایی نظیر ماسال، رشت، فومن و حتی کرج و تهران مهاجرت اجباری کرده بودند، پس از اینکه در روستایشان صنایعی راه‌اندازی شد، برگشتند و اکنون از زندگی و کار کردن در روستای محل

سکونت‌شان بسیار راضی‌اند. با این وجود آمار دقیقی از اشتغال‌زایی صنایع کارگاهی در روستاهای مورد مطالعه وجود ندارد و تعداد دقیق افراد شاغل در این بخش مشخص نیست.

اگر بپذیریم که اعتبارات مالی سبب رونق صنایع کارگاهی در روستا می‌شود و این رونق، افزایش فرصت‌های شغلی و تنوع شغلی را برای روستاییان به دنبال داشته باشد، پس می‌توان گفت: سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در بخش صنایع روستایی می‌تواند جلوی مهاجرت روستاییان را به شهرها بگیرد و کم‌اینکه مهاجرت معکوس را هم به دنبال داشته باشد که تحقق این امر نیازمند حمایت‌های بخش دولتی و خصوصی از این صنایع در روستاست.

نیاز به تذکر است که اثرات برجای مانده از تخصیص اعتبارات مالی صنایع کارگاهی بر وضع مهاجرتی روستاییان در نتایج آمارهای سرشماری موجود نیست و باید برای فهم کلی از این جریان، مقادیر جمعیت روستاها را در دوره‌های سرشماری بررسی کرد. ارزیابی‌های اولیه عدد جمعیتی روستاهای مورد مطالعه در دو دوره‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نشان داد که جمعیت ۲۰ روستای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۵ با کاهش ۱۱ درصدی مواجه شده است. به طوری که جمعیت این روستاها از عدد ۸۲۸۲ در سال ۱۳۸۵ به عدد ۷۳۹۱ در سال ۱۳۹۵ تنزل پیدا کرده است. از طرفی ۱۷ روستای مورد مطالعه در شهرستان ماسال با کاهش جمعیت مواجه بوده و فقط سه روستای نیلاش، درخانه و خری دول با افزایش جمعیت مواجه شدند. اگرچه در مصاحبه‌های حضوری محقق با روستاییان مشخص شد که برخی از آنها به دلیل روی آوردن به صنایع کارگاهی در کنار فعالیت‌های بخش کشاورزی از مهاجرت به شهرهای اطراف منصرف شدند اما نتایج بدست آمده از تحلیل آمار جمعیت روستاها در فاصله بین دو دوره‌ی سرشماری نشان می‌دهد که همچنان روند مهاجرت روستاییان به شهرها وجود دارد و به عبارتی می‌توان گفت: هنوز اعتبارات مالی تخصیص یافته در روستاها در زمینه‌ی صنایع کارگاهی در حدی نبوده که مانعی برای مهاجرت تلقی گردد.

بر اساس نظرسنجی‌های بدست آمده، پاسخگوبانی که در بخش صنایع روستایی فعالند با فراوانی ۴۴ درصد بر این باورند که اعتبارات مالی تخصیص یافته به صنایع کارگاهی تأثیر متوسط بر وضع مهاجرتی روستاییان داشته است. به عبارت دیگر این تأثیر در حد متوسط و رو به پایین بوده است. در حالی که فقط ۱۵ درصد از پاسخگوبان عقیده داشتند که با راه اندازی صنایع کارگاهی روستایی، از مهاجرت روستاییان به شهرها کاسته شده است.

نتایج بدست آمده از میانگین وزنی گویه‌ها نشان می‌دهد که گویه‌ی "ایجاد فرصت‌های اشتغال‌زایی به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی" با میانگین ۳/۵ در رتبه‌ی اول و گویه‌ی "تولید محصولات با کیفیت پس از تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی" با میانگین ۳/۰۱ در رتبه‌ی دوم قرار گرفته است.

جدول ۲

درصد فراوانی آراء پاسخگوبان در مورد تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستاها

انحراف از معیار	میانگین	جمع کل	مقیاس (درصد)					گویه
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱/۴۳	۲/۹۸	۱۰۰	۱۱/۸	۱۹/۰	۴۱/۲	۱۱/۸	۱۶/۳	وضع سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی صنایع کارگاهی در روستا
۱/۱۳	۲/۸۲	۱۰۰	۳/۹۳	۴/۵۳	۲۳/۲۶	۸/۱۶	۶/۳۴	میزان مبلغ وام تخصیص یافته به سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستایی
۱/۱۸	۳/۰۱	۱۰۰	۴/۲۳	۹/۳۷	۲۰/۵۴	۶/۶۵	۵/۴۴	تولید محصولات با کیفیت پس از تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی
۱/۱۶	۳/۱۶	۱۰۰	۶/۶۵	۶/۹۵	۲۳/۸۷	۴/۵۳	۴/۲۳	توسعه صنایع کارگاهی روستایی و تأثیر بر توسعه بخش کشاورزی
۰/۸۰	۳/۵	۱۰۰	۱۵/۰	۳۰/۱	۴۷/۷	۴/۶	۲/۶	ایجاد فرصت‌های اشتغال‌زایی به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی
۱/۱۵	۲/۶۱	۱۰۰	۵/۹	۹/۲	۴۴/۴	۲۱/۶	۱۹/۰	کاهش مهاجرت روستاییان به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی

- برای ارزیابی فرضیه‌ی فوق از آزمون آماری χ^2 دو استفاده شد و دو فرضیه‌ی H_0 و H_1 بدین شرح مشخص گردید:
- فرضیه‌ی H_0 : اعتبارات مالی تأثیری بر افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستاهای ماسال نداشته است.
 - فرضیه‌ی H_1 : اعتبارات مالی موجب افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستاهای ماسال شده است.

جدول ۳

محاسبات آزمون آماری χ^2 دو برای آزمون فرضیه

گویه	آماره آزمون χ^2 دو	درجه آزادی	سطح معناداری Asymp. Sig.
وضع سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی صنایع کارگاهی در روستا	۷۷/۳۶	۴	۰/۰۰۰
میزان مبلغ وام تخصیص یافته به سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستایی	۶۶/۱۲	۴	۰/۰۰۱
تولید محصولات با کیفیت پس از تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی	۸۱/۴۰	۴	۰/۰۰۰
توسعه صنایع کارگاهی روستایی و تأثیر بر توسعه بخش کشاورزی	۸۱/۵۹	۴	۰/۰۰۰
ایجاد فرصت‌های اشتغال‌زایی به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی	۸۴/۳۳	۴	۰/۰۰۰
کاهش مهاجرت روستاییان به دلیل تخصیص اعتبارات مالی به صنایع کارگاهی روستایی	۶۵/۵۸	۴	۰/۰۰۱۷

بر اساس محاسبات انجام شده در نرم‌افزار آماری SPSS (جدول ۳) که در سطح خطای فرض ۰/۰۵ می‌باشد، مقدار آماره‌ی χ^2 دو برای هر یک از گویه‌های موردنظر محاسبه شد. از آنجایی‌که مقدار آماره‌ی χ^2 دو برای هر یک از گویه‌ها از مقدار موجود در جدول استاندارد شده‌ی این آزمون که برابر با ۹/۴۸۸ می‌باشد، بیشتر است و سطح معناداری Sig. بدست آمده هم بسیار کمتر از ۰/۰۵ بوده و در حد صفر می‌باشد، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی H_0 رد و فرضیه‌ی H_1 (فرضیه‌ی محقق)، تأیید می‌گردد. با جمع‌بندی نتایج این آزمون می‌توان گفت: اعتبارات مالی موجب افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی روستاهای ماسال شده است و لذا این فرضیه تأیید می‌شود.

تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش درآمد در روستاها

یکی از مهمترین اهداف در نظر گرفته شده برای ارائه اعتبارات مالی به روستاییان، ایجاد بهبودی در وضع معیشتی و درآمدی آنهاست که به تدریج آثار مطلوبی را چه در بعد خانوار روستایی و چه در بعد عمومی روستا برجای بگذارد که مانع از ایجاد نارضایتی و خروج از روستا شود. اما از طرفی هم باید به این موضوع اشاره کرد که به دلایلی از قبیل نبود امکانات و خدمات اولیه در بسیاری از روستاهای مورد مطالعه‌ی تحقیق حاضر سبب شده تا نحوه‌ی دسترسی روستاییان به این خدمات با هزینه‌های بیشتری همراه باشد و این باعث می‌شود که آنها همواره مقروض باشند و از عهده‌ی مخارج زندگی و تأمین مواد اولیه در بخش کشاورزی به سختی بر آیند. دریافت وام و اعتبارات مالی می‌تواند بخشی از این قرض‌ها را کاهش دهد.

براساس مطالعات میدانی ۳۶ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که دریافت اعتبارات مالی بین ۱۱ تا ۲۰ درصد سبب افزایش درآمد آنها شده است. در مجموع وام و اعتبارات مالی در درآمد ۶۴/۷ درصد مردم تأثیرگذار بوده است. پاسخگویان با فراوانی ۳۵/۳ درصد بر این عقیده‌اند که دریافت اعتبارات مالی تأثیرات متوسطی روی کاهش هزینه‌های آنها داشته است. البته با تجمیع آمارهای بدست آمده می‌توان گفت: ۳۵ درصد پاسخگویان بر این عقیده‌اند که دریافت اعتبارات مالی تأثیرات متوسطی در جلوگیری از پیش‌فروش محصولات داشته است. تجمیع آمارهای جدول نشان می‌دهد که ۷۲/۱ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که وام و اعتبارات مالی دریافت شده تأثیرات متوسط و کمتر از آن در جلوگیری از پیش‌فروش محصولات داشته است. ۴۷/۱ درصد پاسخگویان بر این عقیده‌اند که دریافت اعتبارات مالی

تأثیرات متوسطی در بهبود وضع زندگی روستاییان داشته است. تجمیع آمارهای جدول نشان می‌دهد که ۸۶/۱ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که وام و اعتبارات مالی دریافت شده تأثیرات متوسط رو به زیاد در بهبود وضع زندگی روستاییان داشته است. ۳۸/۱ درصد بر این عقیده‌اند که دریافت اعتبارات مالی تأثیرات متوسطی در توانمندسازی روستاییان داشته است. تجمیع آمارهای جدول نشان می‌دهد که ۸۳/۴ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که وام و اعتبارات مالی دریافت شده تأثیرات متوسط رو به زیاد در توانمندسازی روستاییان داشته است.

جدول ۴

درصد فراوانی آراء پاسخگویان بر تأثیر اعتبارات مالی بر افزایش درآمد

انحراف از معیار	میانگین	جمع کل	مقیاس (درصد)				گویه	
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۱/۴۵	۲/۶۷	۱۰۰	۹/۷	۱۱/۸	۳۵/۳	۲۲/۴	۲۰/۸	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده بر کاهش هزینه‌های روستاییان
۱/۳۳	۲/۷۹	۱۰۰	۶/۰	۲۱/۸	۳۵/۰	۱۹/۰	۱۸/۱	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در جلوگیری از پیش فروش محصولات کشاورزی
۱/۰۷	۳/۳۷	۱۰۰	۱۶/۹	۲۲/۱	۴۷/۱	۸/۵	۵/۴	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در بهبود وضع زندگی روستاییان
۱/۱۶	۳/۴۲	۱۰۰	۱۸/۴	۲۶/۹	۳۸/۱	۱۱/۲	۵/۴	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در توانمندسازی روستاییان
۱/۸۹	۳/۵۶	۱۰۰	۳۳/۲	۲۴/۵	۲۰/۵	۸/۲	۱۳/۶	تمایل مجدد روستاییان برای دریافت مجدد وام و اعتبارات مالی

برای ارزیابی فرضیه‌ی فوق از آزمون آماری χ^2 استفاده شد و دو فرضیه‌ی H_0 و H_1 بدین شرح مشخص گردید:

- فرضیه‌ی H_0 : اعتبارات مالی تأثیری بر افزایش درآمد روستاییان شهرستان ماسال نداشته است.
- فرضیه‌ی H_1 : اعتبارات مالی موجب افزایش درآمد روستاییان شهرستان ماسال شده است.

جدول ۵

محاسبات آزمون آماری χ^2 برای آزمون فرضیه

سطح معناداری Asymp. Sig.	درجه آزادی	آماره آزمون χ^2 دو خی	گویه
۰/۰۰۰	۴	۷۱/۳۸	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده بر کاهش هزینه‌های روستاییان
۰/۰۰۱	۴	۶۴/۵۶	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در جلوگیری از پیش فروش محصولات کشاورزی
۰/۰۰۰	۴	۷۹/۴۰	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در بهبود وضع زندگی روستاییان
۰/۰۰۰	۴	۷۹/۵۵	تأثیر وام و اعتبارات مالی دریافت شده در توانمندسازی روستاییان
۰/۰۰۰	۴	۸۵/۳۸	تمایل مجدد روستاییان برای دریافت مجدد وام و اعتبارات مالی

بر اساس محاسبات انجام شده در نرم‌افزار آماری SPSS (جدول ۵) که در سطح خطای فرض ۰/۰۵ می‌باشد، مقدار آماره‌ی χ^2 برای هر یک از گویه‌های موردنظر محاسبه شد. از آنجایی که مقدار آماره‌ی χ^2 برای هر یک از گویه‌ها از مقدار موجود در جدول استاندارد شده‌ی این آزمون که برابر با ۹/۴۸۸ می‌باشد، بیشتر است و سطح معناداری Sig. بدست آمده هم بسیار کمتر از ۰/۰۵ بوده و در حد صفر می‌باشد، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که

فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 (فرضیه محقق)، تأیید می‌گردد. با جمع‌بندی نتایج این آزمون می‌توان گفت: اعتبارات مالی موجب افزایش درآمد روستاییان شهرستان ماسال شده است. بر این اساس فرضیه فوق تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به تبیین نقش اعتبارات مالی در اقتصاد نواحی روستایی شهرستان ماسال پرداخته شده است. با بررسی بسیاری از اسناد و مدارک معتبر و یافته‌های میدانی محقق مشخص شد که تحولات مثبت و مطلوب در روستا که زمینه‌ساز دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار است به شاخص‌های مهمی نیاز دارد که اغلب این شاخص‌ها بدون پشتوانه‌های مالی میسر نمی‌گردد. با نظر به اینکه در بسیاری از روستاها سرمایه‌گذاری‌ها کمتر انجام می‌شود و منابع درآمدی روستاییان در مقایسه با نواحی شهری خیلی قابل توجه نیست، می‌توان گفت: روستاییان همواره با محدودیت‌های مالی مواجه‌اند. در بسیاری از منابع اشاره شده است که تحولات اقتصادی، تحولات کالبدی - فضایی و تحولات اجتماعی به تنهایی و یا به خودی خود در روستا تحقق نمی‌یابد. بلکه هر یک از این تحولات، تابع نیازمندی‌های اولیه‌ای هستند تا به واسطه آن مراتب رشد و تحول را طی کنند. به عبارت دیگر، ایجاد تحول به ابزارهای گوناگونی نیاز دارد و نبود هر یک از این ابزارها می‌تواند فرایند رسیدن به رشد و توسعه‌ی روستا را که از آن تحت عنوان تحولات روستا یاد می‌شود، با مشکلات متعددی مواجه کند. دستیابی به توسعه‌ی روستایی مستلزم برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت دقیق است. پژوهش حاضر نیز با بهره‌برداری از این رویکردها به بررسی نقش اعتبارات مالی در ایجاد اقتصاد نواحی روستایی شهرستان ماسال پرداخت و مهمترین نتایج آن بدین شرح بوده است که نقش اعتبارات مالی در توسعه‌ی صنایع روستایی، افزایش درآمد روستاییان و رونق خدمات روستایی تأثیرگذار بوده و اغلب روستاییانی که از این اعتبارات بهره‌بردارند، اهمیت آن را مؤثر قلمداد نمودند.

با توجه به یافته‌ها و نتایج تحقیق، راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد شده است:

یکی از پیشنهادهایی که از عمومیت بیشتری برخوردار است این است که فرایند ثبت نام، مدت انتظار، ضمانت‌های بانکی و بازپرداخت وام و اعتبارات مالی، متناسب با توانمندی‌های روستاییان متقاضی وام باشد. اغلب این افراد به دلیل ناتوانی در مراحل اولیه‌ی دریافت وام، از دریافت آن محروم می‌شوند. لذا باید مراکز مالی در این زمینه تدابیری بیندیشند که هم فرد نیازمند از منابع مالی استفاده کند و هم اینکه امکان بازپرداخت به موقع این منابع تضمین شود. سایر پیشنهادهایی که برگرفته از محدودیت‌ها و تنگناهای تحقیق است، در هر یک از محورهای مورد بحث به شرح زیر ارائه شده است:

رونق فعالیت‌های خدماتی در روستاهای شهرستان ماسال

- با توجه به ظرفیت‌های گردشگری در این شهرستان امکان اینکه بتوان از طریق حمایت‌های مالی، جوانان روستایی را در زمینه‌ی فعالیت‌های خدماتی مشغول به کار کرد بسیار بالاست. لذا برای رونق بیشتر این بخش از فعالیت‌های اقتصادی به تخصیص اعتبارات مالی نیاز است که در اختیار این افراد قرار بگیرد.
- با توجه به پتانسیل‌ها و فرصت‌های هر منطقه، وام مختص به آن فعالیت‌ها اختصاص یابد. مثلاً اگر منطقه‌ای در زمینه‌ی فعالیت‌های گردشگری از پتانسیل مناسبی برخوردار است، وام مربوط به گردشگری به آن منطقه اختصاص یابد.

افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع سبک روستاهای شهرستان ماسال

- شاید تنها راه سرمایه‌گذاری و ورود سرمایه‌گذاران به روستا برای پرداختن به صنایع سبک و ایجاد اشتغالزایی، تأمین امنیت سرمایه باشد. در این صورت می‌توان با معافیت‌های مالیاتی، زمینه‌های امنیت سرمایه را فراهم کرد.

افزایش درآمد در روستایان شهرستان ماسال

- برای افزایش درآمد روستاییان باید به نوسازی و بازسازی فعالیت‌های روستاییان در فرایند تولید محصولات زراعی، باغی و دامی و حتی فعالیت‌های خدماتی آنها در زمینه‌ی گردشگری اقدام کرد. این نوسازی و بازسازی به تنهایی امکان‌پذیر نیست و باید با اعتبارات مالی همراه باشد.
- رونق فعالیت‌های کشاورزی در روستا می‌تواند به افزایش درآمد و بهبود معیشت روستاییان منجر شود. پس هرچقدر روستاییان توانمندی‌های مالی بیشتری در این زمینه داشته باشند، با قدرت بیشتری می‌توانند به تولید محصولات باکیفیت بپردازند که نه تنها جوابگوی مصرف داخلی باشد بلکه جنبه‌ی صادراتی نیز داشته باشد.

منابع

- آمار، تیمور. (۱۳۹۲). تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان به منظور تدوین الگوی توسعه کالبدی. *برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی*، ۷۲-۶۰، (۴)۲.
- آهنی، طاهره؛ رضایی، احمد علی و بخشوده، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی رابطه بین اعتبارات کشاورزی و فقر روستایی در ایران: رهیافت بیزی. *پژوهش‌های اقتصاد روستا*، ۱(۱)، ۵۶-۴۳.
- اسماعیل‌زاده، سیامک و حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۵). نقش اعتبارات بخش کشاورزی در توسعه‌ی روستایی، مطالعه موردی: اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی در استان تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران*.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ بدری، سیدعلی و سجاسی‌قیداری، حمداله. (۱۳۹۰). بنیان‌های نظریه‌ای برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ عینالی، جمشید و سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۵). ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۴(۵۶)، ۷۶-۴۵.
- بختیاری، صادق. (۱۳۸۹). مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی. *دانش و توسعه*، ۱۷(۱۳)، ۲۱-۱.
- بختیاری، صادق و پاسبان، فاطمه. (۱۳۸۳). نقش اعتبارات بانکی در توسعه فرصت‌های شغلی، مطالعه موردی: بانک کشاورزی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲(۴۶)، ۷۳-۱۰۵.
- بریمانی، فرامرز؛ نیک منش، زهرا و خداوردی لو، سهیلا. (۱۳۹۱). بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱(۱)، ۸۲-۶۹.
- جوانشیری، مهدی؛ بوزرجمهری، خدیجه؛ هراتی، ام‌البنین و محمودی، حمیده. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعه‌ی روستایی نواحی کوهستانی و دشتی، مورد مطالعه: دهستان‌های کارده و میان ولایت شهرستان مشهد. *راهبردهای توسعه‌ی روستایی*، ۴(۲)، ۱۵۷-۱۸۰.
- حسن زاده، علی و ارشدی، علی. (۱۳۸۲). نقش اعتبارات خرد در توسعه‌ی روستایی. *مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ایران، جلد اول، پاییز*.
- دارابی، حسن. (۱۳۸۴). تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی، مورد: سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان. رساله منتشر نشده دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- رابط، علیرضا؛ سعیدی، عباس؛ طالشی، مصطفی و نظری، عبدالحمید. (۱۳۹۶). نقش آفرینی تسهیلات مالی مسکن در نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی، مطالعه موردی: مسکن روستایی شهرستان ابجرود. *فضای جغرافیایی*، ۱۷(۵۸)، ۲۴-۱.
- ساعی، مهدیه و ضیایی، سامان. (۱۳۹۵). بررسی اثر صندوق‌های اعتباری خرد بر کاهش فقر، ایجاد درآمد و اشتغال در استان کرمان. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۷(۲)، ۲۳۵-۲۲۷.
- شاطریان، محسن و گنجی پور، محمود. (۱۳۸۹). تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزیادآباد - شهرستان کاشان). *پژوهش‌های روستایی*، ۱(۳)، ۱۳۱-۱۵۲.
- صدیالی، محسن؛ رحمانی، بیژن؛ سعیدی، عباس و توکلی نیا، جمیله. (۱۳۹۳). تحولات ساختاری - کالبدی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی، مورد پژوهی: روستاهای جوانمردی و باغبه‌زاد، شهرستان لردگان. *مدیریت شهری*، ۱۳(۳۵)، ۲۰۱-۲۰۱.

۲۱۷

- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره. (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بومین زهرا. *روستا و توسعه*، ۱۰(۳)، ۱-۲۶.
- عزیزپور، فرهاد و خداکرمی، زهرا. (۱۳۹۴). اثرات اجتماعی - اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان کرسف. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۳(۱۳)، ۵۷-۶۹.
- عباستانی، علی اکبر و اکبری، محمدحسن. (۱۳۹۱). ارزیابی طرح‌های هادی و نقش آن در توسعه کالبدی روستا از دیدگاه روستاییان، مطالعه موردی: شهرستان جهرم. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴(۴)، ۹۳-۱۱۰.
- فلاح‌تکار، الهام. (۱۳۹۶). تبیین عملکرد تعاونی‌های تولید کشاورزی در توسعه روستایی با رویکرد آمایش محیطی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهرستان ساوجبلاغ - استان البرز). رساله منتشر نشده دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- قربانی، مهدی؛ سالاری، فاطمه و خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۵). تحلیل سرمایه اجتماعی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی، مورد: روستای بسطاق در شهرستان سرایان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۵(۱)، ۱۲۵-۱۴۶.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ماسال.
- مشیری، سیدرحیم؛ مهدوی حاجیلویی، مسعود و آمار، تیمور. (۱۳۸۳). ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار). *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۶(۵۰)، ۱۴۳-۱۵۹.
- مغظمی، میترا. (۱۳۷۷). بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی. تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- مولایی، محمد و رحیمی راد، زهره. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران: ۹۲-۱۳۶۸، راهبردهای توسعه روستایی، ۳(۲)، ۲۱۵-۳۳۵.
- نجفی، بهاء‌الدین و یعقوبی، وحید. (۱۳۸۴). تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۳(۴۹)، ۱-۲۶.
- نوری نائینی، سیدمحمدسعید. (۱۳۸۴). اهداف هزاره، اعتبارات خرد و توسعه روستایی در ایران. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، آذر ماه، تهران.

References

- Abedullah, N.; Mahmood, M.; Khalid & Kouser, S. (2009), "The Role of Agricultural Credit in the growth of Livestock Sector: A Case Study of FAISALABAD", *Pakistan Vet. J.* 29(2), 81-84.
- Ahani, T., Rezaei, A. A., & Bakhshudeh, M. (2014). Economic Analysis of the Relationship between Agricultural Credit and Rural Poverty in Iran: A Bayesian Approach. *Rural Economics Research*, 1 (1), 43-56. (In Persian).
- Amar, T. (2013). Physical developments of rural settlements in Guilan province in order to develop a model of physical development. *Physio-spatial planning*, 2 (4), 60-72. (In Persian).
- Anabestani, A. A., & Akbari, M. H. (2012). Evaluation of pilot projects and its role in the physical development of the village from the perspective of the villagers, a case study: Jahrom city. *Human Geography Research*, 44 (4), 93-110. (In Persian).
- Anthony, E. (2010), *Agricultural Credit and Economic Growth in Nigeria: an Empirical Analysis*. Business and Economics Journal, 59(11), 1-23.
- Arifujjaman Khan, M & Rahaman, M. A. (2007), Impact of Microfinance on Living Standards, Empowerment and Poverty Alleviation of Poor People: A Case Study on Microfinance in the Chittagong District of Bangladesh, Masters Thesis, Umeå School of Business (USBE), Department of Business Administration, 1-95.
- Azizpour, F., & Khodakarami, Z. (2015). Socio-economic effects of agricultural microcredit in rural areas, a case study: Karsaf district. *Space Economics and Rural Development*, 3 (13), 57-69. (In Persian).
- Bakhtiari, S. (2010). Microfinance is a way to increase agricultural production and reduce rural poverty. *Knowledge and Development*, 17 (13), 1-21. (In Persian).

- Bakhtiari, S., & Pasban, F. (2004). The Role of Bank Credits in Job Development, Case Study: Agricultural Bank of Iran. *Agricultural Economics and Development*, 12 (46), 73-105. (In Persian).
- Barimani, F., Nikmanesh, Z., & Khodaverdi Lou, S. (2012). Investigating the role of microcredits in empowering rural women, a case study: Lakestan village of Salmas city. *Space Economics and Rural Development*, 1 (1), 69-82. (In Persian).
- Darabi, H. (2005). *Explaining the Spatial Consequences of Civil Activities in the Light of Public Participation, Case: Rural Settlements in Kashan District*. Unpublished dissertation PhD in Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Department of Geography. (In Persian).
- Eftekhari, A. R., Badri, S. A., & Sajasi Qidari, H. (2011). *Foundations of Physical Planning Theories in Rural Areas*. Tehran: Islamic Revolution Housing Foundation Publications. (In Persian).
- Eftekhari, A. R., Einali, J., & Sajasi Qidari, H. (2006). Evaluating the effects of micro-bank loans on agricultural development, a case study: spontaneous rural cooperatives in Khodabandeh. *Agricultural Economics and Development*, 14 (56), 45-76. (In Persian).
- Escobal, J (2001). The determinants of non-farm income diversification in rural Peru, *World Development*, 29(3), 497-508.
- Flahatkar, E. (2017). *Explaining the performance of agricultural production cooperatives in rural development with an environmental management approach (Case study: villages of Savojbolagh city - Alborz province)*. Unpublished doctoral dissertation in Geography and Rural Planning, Islamic Azad University, Rasht Branch, Faculty of Humanities, Department of Geography. (In Persian).
- Ghorbani, M., Salari, F., & Khorasani, M. A. (2016). Social Capital Analysis of Rural Micro Credit Fund Members, Case: Bastaq Village in Sarayan County. *Space Economics and Rural Development*, 5 (1), 125-146. (In Persian).
- Hassanzadeh, A., & Arshadi, A. (2003). *The role of microcredit in rural development*. Proceedings of the 13th Monetary and Foreign Exchange Policy Conference, Tehran, Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Volume One, Autumn. (In Persian).
- Ismailzadeh, S., & Hosseini, S. M. (2016). *The Role of Agricultural Credit in Rural Development, Case Study: Agricultural Bank Credits in Tehran Province*. Third International Conference on Sustainable Development, Strategies and Challenges Focusing on Agriculture, Natural Resources, Environment and Tourism, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. (In Persian).
- Javanshiri, M., Boozarjomhuri, Kh., Harati, A., & Mahmoudi, H. (2017). A Comparative Study of the Role of Micro Credits in Rural Development of Mountainous and Plain Areas, Case Study: Kardeh and Mian villages in Mashhad province. *Rural Development Strategies*, 4 (2), 157-180. (In Persian).
- Khan, N., Shafi, M. M., Shah, M., Islam, Z., Arif, M., Javed, R. and Shah, N. (2011), Review of past literature on agriculture credit in rural area of Pakistan, *Sarhad Journal of Agriculture*, 27(1), 103-110.
- Mittal, Ms. S., (2014), Contribution of micro-finance institutions for the development of rural community region- its critical aspects of the Success", *International Journal of Innovative Research in Engineering & Management (IJIREM)*, 23: 1-2.
- Moazami, M. (1998). *A review of theoretical and experimental foundations of rural credits*. Tehran: Ministry of Jihad Agriculture Publications, Rural Research and Studies Center. (In Persian).
- Molaei, M., & Rahimi Rad, Z. (2016). Investigating the Poverty Situation in Rural Households in Iran during Five Economic Development Programs of Iran: 1989-2009, *Rural development strategies*, 3 (2), 215-335. (In Persian).
- Moshiri, S. R., Mahdavi Hajiloui, M., & Amar, T. (1383). Necessity of change in the economic function of rural areas (Case study: Khorgam section of Rudbar city). *Geographical Research*, 36 (50), 143-159. (In Persian).
- Najafi, B., & Yaqubi, V. (2005). Microfinance: A New Strategy for Reducing Poverty in Rural Communities. *Agricultural Economics and Development*, 13 (49), 1-26. (In Persian).
- Nouri Naeini, S. M. S. (2005). *Millennium Development Goals, microcredit and rural development in Iran*. Proceedings of the Rural Development and Poverty Alleviation Micro Credits Seminar, December, Tehran. (In Persian).

- Rabet, A., Saeedi, A., Taleshi, M., & Nazari, A. (2017). The Role of Housing Financial Facilities in Renovation and Rehabilitation of Rural Housing, Case Study: Rural Housing in Abjroud County. *Geographical Space*, 17 (58), 1-24. (In Persian).
- Roht, J. (2002), The limits of micro credit as a rural development intervention, Institute for Development Policy and Management, Manchester University.
- Saei, M., & Ziaei, S. (2016). Investigating the effect of micro-credit funds on poverty reduction, income generation and employment in Kerman province. *Iranian Agricultural Economics and Development Research*, 47 (2), 227-235. (In Persian).
- Sengupta, R. and Aubuchon, C. P. (2008), The Microfinance Revolution: An Overview. Federal Reserve Bank of ST. Louis Review, January/February 2008, 9-30.
- Sharma, R. C. and Tewart, D. D. (2014), Sustainable Financial Services for a Developing Rural Economy: Establishing Needs and Prospects for Growth through Microfinance Institution (MFIs). *Journal of Economics*, 5(3), 231-237.
- Shaterian, M. & Ganjipour, M. (2010). Effects of Civil Investments on Village Empowerment (Case Study: Villages of Abuzidabad - Kashan). *Rural Research*, 1 (3), 131-152. (In Persian).
- Sidali, M., Rahmani, B., Saeedi, A., & Tavakoli Nia, J. (2014). Structural-physical changes of rural spaces in Iran and its effects on tissue development in rural areas, case study: Javanmardi and Baghbezd villages, Lordegan city. *Urban Management*, 13 (35), 201-217. (In Persian).
- Srinivasa, R. and Priyadarshini, Y. J. (2013), Microfinance and Rural Credit: Is it an Alternative Source of Rural Credit. *International Journal of Humanities an Social Science Invention*, 2 (3), 28-39.
- Statistical Center of Iran. (2016). Detailed results of the general population and housing census of Masal city. (In Persian).
- Taleb, M., & Najafi Asl, Z. (2007). The Impact of Rural Micro Credits on Economic Empowerment of Women Heads of Households: A Look at the Results of Hazrat Zeinab Kobra's Project in Buin Zahra Villages. *Village and Development*, 10 (3), 1-26. (In Persian).
- Toshio Kondo, Aniceto Orbeta, Jr, Clarence Dingcong and Christine Infantado. (2007), Impact of Microfinance on Rural Households in the Philippines, *IDS Bulletin*, 39(1), 51-70.
- Vetrivel, S. C., Chandra Kumar mangalam, S., (2010), "Role of micro finance in sttutions in rural development. *International Journal of Information Technology' and Knowledge Management*, 2 (2), 435-441.

How to Cite:

Ashouri Moridani, S., Ghoshali, M., Pourramzan, E. (2022). Explain the role of financial credits in the economy of rural areas of Masal County. *Geographical Engineering of Territory*, 6(1), 33-51.

ارجاع به این مقاله:

عاشوری مریدانی، سمیه، قریشی، محمد باسط و پوررمضان، عیسی. (۱۴۰۱). تبیین نقش اعتبارات مالی در اقتصاد نواحی روستایی شهرستان ماسال. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۱)، ۳۳-۵۱.